

«بسم الله الرحمن الرحيم»

پژوهشی در باره‌ی
ادله‌ی اثبات ضرورت نبوت
در فلسفه‌ی اسلام اسلامی

دکتر عباس عبداللّهی فر
ناشر: پویش حکمت

سرشناسه	: عبداللهی فر، عباس، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: پژوهشی در باره‌ی ادله‌ی اثبات ضرورت نبوت در فلسفه و کلام اسلامی / مولف عباس عبداللهی فر.
مشخصات نشر	: گرگان: پویش حکمت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.: ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۳۷-۳-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
داشته	: کتابنامه.
موضوع	: نبوت
موضوع	: Prophecy
موضوع	: فیلسوفان اسلامی -- دیدگاه درباره نبوت
موضوع	: Views on prophecy Muslim philosophers --
موضوع	: متکلمان -- دیدگاه درباره نبوت
موضوع	: Muslim theologians -- Views on prophecy
موضوع	: پیامبران
موضوع	: Prophets
رده بندی کنگره	: BPT۲۰/ع۲۰۴ ۱۳۰۰
رده بندی دیویی	: ۲۲۰/۴۳
شماره	: ۴ ۲۹۵
کتابشناسی ملی	

عنوان کتاب: پژوهشی در باره‌ی ادله‌ی اثبات ضرورت نبوت در فلسفه و کلام اسلامی
 مؤلف: دکتر عباس عبداللهی فر، مدرس و مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان (آیت الله خامنه‌ای گرگان - استان گلستان) - مدرس مدرسه جامع المصطفی العالمیه،
 (نماینده‌ی گرگان)

ناشر: پویش حکمت
 دفتر نشر: خیابان امام رضا، کوچه شهید
 تعداد صفحات: ۱۵۲
 نوبت چاپ: اول، فروردین ۹۸
 قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال
 شماره همراه: ۰۹۱۱۱۷۰۲۳۲۱
 تلفن: ۰۱۷۳۲۳۳۲۷۶۳

ایمیل: abdolahifar@gmail.com

فهرست منابع

صفحه	عنوان
۱۰	سخن آغازین
۱۳	مقدمه

فصل اول

اثبات نبوت از دیدگاه متکلمان

۱۷	مقدمه
۱۷	برهان لطف
۱۸	مبانی قاعده لطف
۱۸	حسن و قبح افعال
۱۹	حسن و قبح در رابطه با افعال الهی
۲۰	معنای وجوب نزد متکلمان
۲۱	فرق وجوب من الله و وجوب علی الله
۲۲	معنای وجوب نزد اشاعره
۲۲	اثبات نبوت نزد عدلیه و اشاعره

۲۳.....	بررسی برهان لطف.....
۲۳.....	تعریف اصطلاحی لطف.....
۲۶.....	لطف از نظر اشاعره.....
۲۷.....	اقسام لطف: (مقرب و محصل).....
۲۸.....	نمونه هایی از مصادیق لطف.....
۲۹.....	حسن لطف.....
۲۹.....	دلیل بر وجوب لطف.....
۳۳.....	مبنای وجوب بر برهان لطف.....
۳۵.....	مخالفان وجوب لطف.....
۳۵.....	دو اشکال اشاعره به قاعده لطف همراه با جواب.....
۳۸.....	کاربرد قاعده لطف.....
۳۸.....	بحث تکلیف.....
۳۹.....	تعریف تکلیف.....
۳۹.....	تکلیف در اصطلاح متکلمین.....
۴۱.....	اعلام تکلیف و حسن آن.....
۴۲.....	وجوب تکلیف.....
۴۳.....	وجوب تکالیف از نظر عدلیه.....
۴۶.....	اثبات نبوت از دیدگاه متکلمان.....
۴۶.....	حسن بعثت.....
۵۱.....	وجوب بعثت انبیاء.....
۵۲.....	رأی شیعه و معتزله در اثبات نبوت.....
۵۴.....	اثبات نبوت از طریق لطف مقرب.....
۵۶.....	اثبات نبوت از طریق لطف محصل.....
۵۷.....	فرق بین لطف مقرب و لطف محصل در اثبات نبوت.....

۵۸	روش اشاعره در اثبات نبوت
۵۹	رای خاصی غزالی در اثبات نبوت

فصل دوم

براهین حکما در اثبات نبوت

۶۵	مقدمه
۶۶	روش فارابی در اثبات نبوت
۶۶	خلاصه سلسله فاضلی - باره مدینه فاضله
۶۷	بیان تفصیلی نالر فاضلی در مورد مدینه
۶۷	ضرورت اجتماع و انحاء آن
۶۸	اجتماع فاضله و غیر فاضله
۶۸	سعادت در نظر فارابی
۶۹	خیر و شر در نظر فارابی
۷۰	خیر و شر ارادی
۷۱	شناخت سعادت و راه وصول به آن
۷۴	ریاست در مدینه فاضله
۷۵	رئیس اول و مقام نبوت
۷۶	نقش مدینه فاضله در تحقق هدفها
۷۸	مبانی نظریه مدینه فاضله
۷۸	مدینه آرمانی افلاطون
۷۹	نظر ارسطو درباره مدنیت انسان
۸۰	تمایز فارابی از افلاطون و ارسطو در طرح مدینه
۸۳	برهان ابن سینا در اثبات نبوت

۸۴.....	برهان نیاز بشر به قانونگذار الهی
۸۶.....	خلاصه مقدمات برهان
۸۷.....	تفصیل برهان
۸۷.....	مقدمه ی یکم: انسان موجود اجتماعی
۸۷.....	دلایل روی آوردن به زندگی اجتماعی
۹۱.....	دو تئیه دین
۹۲.....	مقدمه دوم: ضرورت نیاز به قانون
۹۴.....	مقدمه سوم: نیاز به قانونگذار
۹۵.....	مقدمه چهارم: قانونگذار باید انسان الهی
۹۶.....	یک پرسش و پاسخ
۹۷.....	خداوند قانونگذار واقع در صلب
۹۸.....	مقدمه پنجم: وجود انسان الهی برای وضع قانون و امکان آن
۹۸.....	مقدمه ششم: نعمت های ضروری و غیر ضروری
۹۹.....	مقدمه هفتم: ضرورت نبوت با توجه به انسان الهی
۱۰۰.....	لزوم استمرار شریعت
۱۰۱.....	نظر استاد مطهری درباره برهان ابن سینا
۱۰۲.....	تلازم کمال و سعادت فردی با نبوت

فصل سوم

تقریر شیخ اشراق و برخی متألهن

اثبات نبوت

۱۰۵.....	مقدمه
----------	-------

۱۰۶	تقریر شیخ اشراق
۱۰۶	ضرورت زندگی اجتماعی
۱۰۶	ضرورت قانون
۱۰۷	ضرورت قانونگذار الهی
۱۰۸	تقریر صدر المتألهین
۱۰۸	ضرورت روی آوردن به زندگی اجتماعی
۱۰۹	مبایع اختلاف
۱۰۹	ضرورت قانونگذاری الهی
۱۱۰	اشکال اول و دوم برهان حکما همراه با جواب
۱۱۰	اشکال اول برهان ضرورتی
۱۱۱	اشکال دوم از این سیدونا
۱۱۳	برهانی دیگر از حکما
۱۱۵	برهان متألهین به نقل از حکیم سبزواری

فصل چهارم

دیدگاه معاصر بر

۱۱۹	برهان علامه طباطبایی در اثبات نبوت
۱۱۹	خلاصه مقدمات برهان
۱۲۰	تفصیل برهان
۱۲۰	مقدمه‌ی یکم هدایت عمومی در نظام آفرینش
۱۲۱	مقدمه‌ی دوم: انسان جزئی از دستگاه خلقت
۱۲۲	مقدمه‌ی سوم: انسان موجودی استخدامگر

مقدمه‌ی چهارم روحیه استخدام گری و آثار آن	۱۲۳
مقدمه‌ی پنجم هدف دستگاه آفرینش اقتضای رفع این اختلاف	۱۲۴
مقدمه‌ی ششم ناتوانی بشر از رفع این اختلاف و سبب آن	۱۲۵
مقدمه‌ی هفتم ضرورت وجود دستگاه ادراکی دیگر	۱۲۷
برهان معرفت و ضرورت نبوت	۱۲۹
صورت کلی برهان	۱۲۹
فصل برهان	۱۲۹
خلاصه برهان: عبور بیا ننگارنده	۱۳۷
علت گرایش به این برهان	۱۳۷
زمینه‌های تاریخی ردان معرفت	۱۳۹
یک نکته: زندگی ابدی عنوان اصل موضوع در این برهان	۱۴۰
نتیجه‌گیری بررسی ادله‌ی ضرورت نبوت	۱۴۲
فهرست منابع و مآخذ	۱۴۳

سخن آغازین

وحی در این ابراهیمی یک واقعیت مسلم، بلکه حقیقتی انکار ناپذیر است؛ اما چرایی وحی، مدغمی مهمتری برای اندیشه ورزان بوده است. لذا زبندها است که تلاش های حکیمان و فیلسوفان و متکلمان در باره ی این موضوع مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرد. این کتاب آنان برای وجود وحی و نبوت در ساز و کار عالم چه تبیینی ارائه داده اند و حکیمان آن چگونه توضیح داده اند؛ دارای اهمیت بسزایی است. از قبل این توضیحات بیان برایی است که می توان به غایت وحی الهی پی برد. این که برای حل چه نوع مسائلی فرود آمده است و در نهایت قرار است، این رویداد از طریق بعثت سلسله ی پیامبران چه وقایعی را رقم بزند؟ کسان زیادی در قالب مقالات و کتب مختلف از تکراره های کتب اعتقادی و کلامی و فلسفی تا دایره المعارف ها سعی کردند، این مقصود را به بررسی و مطالعه قرار دهند و نتایج آن را به صورت موجز و یا مبسوط گزارش دهند. این نگارنده بر آن بوده است که صرفاً ادله ایجابی و بعضی از ادله ی سلبی در مورد نزلی وحی و نبوت را از دیدگاه متکلمان و فلاسفه و حکیمان مورد بررسی قرار دهد. اما هدف این توضیحات از آن جهت است که پذیرش و یا رد آن تاثیر مستقیمی در نحوه ی درست انسانی خواهد داشت. به عبارت دیگر نحوه ی زیست کسی که به خداوند ایمان آورده و وجود حیات اخروی با جزئیات دقیق آن را باور کرده است و همچنین به حقیقت وحی و ضرورت وجود آن اعتقاد پیدا کرده؛ هرگز با کسی که در موضع انکار یا بی

تفاوتی است، یکسان نخواهد بود. وجود این تفاوت در زیست انسانی و زیست عقلانی است که نگارنده را بر آن داشت تا به مطالعات اندیشمندان و متفکرین قبلی اکتفاء نکند؛ بلکه رنج مقابله و تعمق و تالیف و گردآوری و تطبیق و تجزیه و تحلیل را بر خود گوارا سازد و حدود بیست و سه سال تجربه در تدریس و تحقیق را بر آن بیافزاید؛ چرا که این حقیقت یعنی وحی، آن قدر اهمیت دارد که به مثابه چشم چهارم نوع انسانی عمل می کند و این به واقع چشمی بینا است که در عالم واقع فقط تعداد کمی از میلیاردها انسان قادر به دیدن با آن هستند. اهمیت این دیدن از آن جهت است که با برانگیختگی و اذن خداوند تحقق پیدا می کند. حال پرسش اساسی این است که آیا دست کم گرفتن وحی به هزار بهانه کار اندیشمندانه‌ای است؟ یا نه؟ این که ناشی از خود خواهی، در خود فرو رفتگی و خود مداری و سطحی نگری است که از طبیعت گرایی خام و ناپخته سرچشمه می گیرد. طبیعت گرایی خام و ناپخته با آن جهت که بسنده کردن به حواس در تحلیل همه حقایق عالم جزو امری بی‌ارزش و بی‌فایده محسوب می شود و نیست و این هم واقعی است که امروز علم با تنگ نظران و حتی دانش های تجربی چون فیزیک و زیست و شیمی هم به آن گواهی می دهد. اذعان به وجود واقعیت های غیر قابل مشاهده بخشی از همان چیزهایی است که منطوق دین به عنوان غیب از آن یاد شده و هرگونه موضع انکار و رد آن را غیر عقلانی و کوتاه بینی می شمرد. کمترین اثر پذیرش وحی و فلسفه‌ی وجودی آن، ضرورت نه زیست جاودانه‌ی انسانی با هویت شخصی در جهانی غیر از این عالم مادی و جسم غاکم بر آن است؛ و همچنین پذیرش ابعادی از وجود که بستر تداوم زیست انسانی را در مراتب بالاتر امکان پذیر می کند. اگر چنین چیزی را بپذیریم در آن صورت این سؤال مطرح می شود که آدمی تا چه حد باید از این نحوه زیست مراقبت نماید. یعنی چه کند که همواره نتایج قابل قبول تر و پایدارتر و خوشایندتری بدست آورد؟ از اینجاست که پرسش از ضرورت وحی به موضوع حدود و ثغور وجودی

انسان مرتبط می‌شود. این که انسان چه موجودی است و دارای چه مراتب وجودی است و چه مناسبتی بین فلسفه‌ی وحی و ساخت‌های هستی‌انسان وجود دارد؟ چرا آدمی نباید به زیست مادی تنها اکتفاء کند و چگونه می‌توان حیات اخروی را بستری برای ادامه زندگی مادی انسان و بلکه محصول کیفیت زندگی او در این عالم دانست؟ چه کسی از این واقعیت خبر دارد؟ آیا مثبت و یا منفی بودن این رابط برای سرنوشت انسان یکسان است یا این که اگر به جنبه مثبت آن بنگریم، از پذیرش سلسله ضررهای محتمل پرهیز کردیم و در صورت بی تفاوتی خسارت جبران‌ناپذیری را متحمل گشتیم؟ واقعیت این است که در متن ادیان و حیانی به خصوص اسلام و در قرآن کریم به صورت مفصل و مستوفایی در این مورد سخن گفته شده است. اما در این مقال تلاش آن بوده که ابتدا از منظر عقل به بخش کوچکی از این همه دغدغه‌ها، بزرگ پرداخته شود؛ تا انشالله در موقعیتی دیگر جنبه‌های مانده بحث مورد توجه بررسی قرار گیرد. آنچه در این نوشتار آمده محصول تلاش بیش از دو سالی گذشته نگارنده، سروپا تقصیر است و لذا اگر اشکالاتی مشاهده شد، خوانندگان گرامی بر ما ببخشایند و چنان چه مطلب مفیدی گفته شد، خوشه‌هایی است که از خردن اساتید بزرگوار برچیده و در خاطر مانده و نگارش یافته است؛ در هر صورت نقاد نظر می‌تواند از تکرار وقوع کاستی‌ها جلوگیری نماید.

مهر ۹۰

عباس عبدالرحمنی‌فر

برای اثبات ضرورت نبوت و بیان چرایی آن رویکردهای مختلفی وجود دارد. در میان ملامان مسلمان، معتزله و شیعه نبوت را از طریق برهان لطف اثبات می کنند. آنچه موجب ضرورت لطف می شود، حکمت الهی است. تحقق نبوت و بیان تکالیف از جمله مسایق الهی به شمار می روند. خود بیان تکالیف عالی ترین نمونه لطف الهی در حق بندگان است. علی است که هدف خلقت انسان به واسطه‌ی آن تحقق می یابد، پس بیان آن ضرورت دارد و اگر نه هدف خلقت تحقق نخواهد یافت. نبی کسی است که تکالیف الهی را به مردم ابلاغ می کند و برای ابلاغ تکالیف تشریعی راهی جز اخبار توسط نبی نیست. در نتیجه نبوت بالضروره باید تحقق بیابد.

روش اشاعره برای اثبات نبوت با روش عدلیه تفاوت دارد. آن ها معتقدند نبوت ممکن است؛ اما به ضرورت آن قائل نیستند؛ در نتیجه برای اثبات آن بصورت موردی و مصداقی عمل می کنند؛ یعنی نبوت را به نحو تنجیه علیه، و نه نحو قضیه ضروریه، اثبات می کنند؛ به این صورت که به سراغ کسانی می روند که ادعای نبوت می کنند و صدق ادعای آنها را از طریق معجزه اثبات می کنند؛ اما نمی گویند که ارسال رسل ضرورت دارد؛ بلکه می گویند، ارسال رسل ممکن است و خدا خود می داند که نبی بفرستد یا نه؛ اما همین که کسی ادعای نبوت کرد و

معجزه نشان داد ما می‌فهمیم که او از طریق خداوند مبعوث شده است. بنابراین در مقام ادعا و نظر آن را بنحو قضیه ممکنه در نظر می‌گیرند؛ چون طبق نظر آنان انسان نمی‌تواند برای تحقق نبوت ضرورتی قائل شود و بعد آن ضرورت را بر خداوند حمل کند؛ زیرا این حکم بایده است که از جانب یک انسان در مقام دانی نسبت به خداوند در مقام عالی صادر می‌شود؛ در حالی که نمی‌توانیم پیشاپیش مشیت الهی را، از طریق احکامی که عقل بشر تجویز می‌کند، تعیین کنیم^۱ و یا ضرورتی برای آن قائل شویم. مبنای اختلاف فوق بین عدلیه و اشاعره به اختلاف نظر آن‌ها در حسن و قبح علی برمی‌گردد؛ در واقع اختلاف بر سر اینکه حسن و قبح، عقلی هست یا شرعی^۲ مانع نزاع را به اینجا می‌کشاند. در نظر اشاعره آنگاه که شخصی ادعای نبوت شود، صریحاً معجزه می‌توان به صدق ادعای او پی‌برد. آنچه که بر صدق مدعی نبوت دلالت می‌کند، مقارنت و همزمانی وقوع خرق عادت با ادعای نبوت از جانب نبی است.

از نظر فلاسفه قدم اول در اثبات نبوت این است که ثابت شود که آیا نبوت امر امکانی است یا خیر. تمام تلاش حکما در این مباحث بر اثبات امکان نبوت متمرکز شده است. مثلاً ابن سینا در بداء المعاد سعی می‌کند، نشان دهد که نبوت امکان دارد و امری است که با عقل منافات ندارد^۳ و به اصطلاح خردپذیر است. آنگاه در الهیات شفا مقاله دهم بطور مفصل به بحث در رابطه با نبوت و اثبات آن می‌پردازد و ضرورت تحقق آن را بر مبنای علت نظام خلقت نتیجه‌گیری می‌نماید.

حکما منشاء بحث اثبات ضرورت نبوت را غالباً در حینه حکمت علی و سیاست مدن مورد بررسی قرار داده‌اند. تلاش‌های فارابی را در این رابطه، می‌توان به عنوان بهترین نمونه از این نوع معرفی کرد. این شیوه توسط ابن سینا و دیگر حکمای مشاء دنبال شده است و نمونه بارز آن همان بحث‌هایی است که در

الهیات شفا آمده است؛ اما حکمای اشرافی از این روش پیروی نکردند؛ بلکه بین سیاست و نبوت تمایز قائل شدند و آن‌ها را جداگانه مورد بررسی قرار دادند.

پس بطور خلاصه برای اثبات نبوت بدین نحو عمل شده است که شیعه و معتزله نبوت را به نحو قضیه ضروریه اثبات می‌کنند و در این رابطه از قاعده لطف بهره می‌گیرند؛ اما اشاعره چون به وجوب و ضرورت در افعال الهی قائل نیستند، نبوت را ابتدا به نحو قضیه‌ی ممکنه در نظر می‌گیرند؛ یعنی در مقام ادعا می‌گویند، نبوت ممکن است یا جایز است؛ ولی برای اثبات نبوت به نحو قضیه فعلیه قضایات می‌سازند؛ یعنی در هر مورد خاصی که نبوت تحقق یافت از طریق مشاهده ی معجز آن را اثبات می‌کنند؛ لیکن ضرورت نبوت امری است که فقط از طریق شرع می‌توان به آن رسید. اما حکما یک بار نبوت را به نحو قضیه امکانی مورد بررسی قرار می‌دهند پس آن را به نحو قضیه ضروریه اثبات می‌کنند و بعد سراغ مصادیق می‌روند به اثباتش. معجزه قابل شناسایی است.

در فصول آینده تفصیل گاه‌گاهی رد شده، از جانب حکما و متکلمان، برای اثبات نبوت و همچنین شبهات فلسفی و منطقیات وارده از جانب مخالفان مورد بررسی قرار می‌گیرد.